

Abstract:

The wife's rights of own privacy and how to interfere with it with her obey  
Abstract:

The subject of person's privacy is a new and up to date subjects in human right system. Whereas this right had base in human rights and has the basis of rational, but it has been affirmed in Islamic teachings, Iran's internal rules, document and international treaties. It should be noted husband and wife beside their joint life, privacy mental and apiece has privacy in economic, information, sociability, physical, personality, sensual and mental, they can share or not share these privacies.

With an accuracy of a marriage contract, couples' relation and rights and their assignment are determined to each other, that may in the beginning or in the life's continuation, happen gather between this rights and assignment in act of action.

According to base of no-harm jurisprudence, it seems to the principle of non-power over another, the principle of the prohibition of abuse of rights, the principle of permissible and freedom of will and the principle of independence are couple's asset. Man's authority in presidency on family ability to implementation that is not exceed of family's peaces and wife's base rights including privacy, and according to this basics and legal principles, it is necessary to present a new and modern concept of obedience.

Keywords: Privacy, Obedience, Interfere , Wife's rights, Man's presidency

## حق تمتع زوجه از حریم شخصی و چگونگی تراحم آن با تمکین وی

حمیدرضا ناظمی هرندی<sup>۱</sup>داود نصیران<sup>۲</sup>سید محمدهادی مهدوی اردکانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۶

## چکیده

موضوع حریم خصوصی افراد از موضوع‌های جدید و روزآمد در نظام حقوق بشر است. علی‌رغم اینکه این حق، ریشه در حقوق بشر داشته و دارای مبنای عقلی است، اما در تعالیم اسلامی، قوانین داخلی ایران و اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. باید توجه داشت که همسران در کنار زندگی زناشویی مشترک، فضای ذهنی خصوصی هم دارند و هر کدام دارای حریم خصوصی اقتصادی، اطلاعاتی، ارتباطی، جسمانی، شخصیتی و جنسی و روانی هستند. آن‌ها می‌توانند این فضای خصوصی را با هم به اشتراک بگذارند یا نگذارند. با وقوع عقد ازدواج، رابطه زوجیت و حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر مستقر می‌شود، که ممکن است در آغاز و یا در ادامه زندگی مشترک، بین این حقوق و تکالیف در مقام عمل و اجرا تراحمی صورت گیرد. با توجه به قاعده فقهی لاضرر، اصل عدم ولایت بر دیگری، اصل منع سوء استفاده از حق، اصل اباحه و آزادی اراده و اصل استقلال دارایی زوجین به نظر می‌رسد، اختیار ریاست مرد بر خانواده تا جایی قابلیت اعمال دارد که از حدود مصالح خانوادگی و حقوق اساسی زوجه از جمله حریم خصوصی، تجاوز نکند و با توجه به این مبانی و اصول حقوقی، لازم است مفهوم مدرن و جدیدی از تمکین ارائه گردد.

کلمات کلیدی: حریم خصوصی، تمکین، تراحم، حقوق زوجه، ریاست زوج

حق حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر است و دارای مبنای عقلی است. در مبنای فقهی و دینی و اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی اقلب کشورهای جهان مطرح و به رسمیت شناخته شده است. وجود تعالیمی در اسلام همچون لزوم رعایت کرامت ذاتی اشخاص، لزوم کتمان سر، حرمت عرض و آبروی اشخاص از یک سو و تصریح آیات و روایات متعدد در حرمت تجسس در زندگی خصوصی اشخاص از سوی دیگر، بیانگر ارزش حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام است. در قوانین ایران از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی گاه ضمنی و گاه صریح به برخی مصادیق حریم خصوصی اشاره شده است. با این حال به نظر می‌رسد باید قوانین مستقلاً در زمینه حریم خصوصی تصویب شود، چراکه قوانین پراکنده سطح حمایت کافی را در پی ندارد.

مفهوم حریم خصوصی از جمله مفاهیم مرتبط با حقوق بشر است که در اسناد جهانی از آن حمایت شده است. از آنجا که همه انسان‌ها به صورت برابر از حیثیت ذاتی و انسانی برخوردارند، پس به صورت برابر و فقط به دلیل انسان بودنشان از حق‌هایی که لازمه محترم شمردن آن‌ها به عنوان غایت ذاتی است بهره‌مند هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حمایت از حقوق بشر، عهدنامه شورای اروپا برای حمایت از زندگی خصوصی، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون جریم سایبر، از جمله اسناد بین‌المللی است که به موضوع حریم خصوصی اشاره کرده‌اند.

یکی از مسائلی که در رابطه همسران با یکدیگر با اهمیت تشخیص داده شده، احترام به حریم خصوصی است. حریم خصوصی در روابط بین زوجین در عمل طیف وسیعی از عوامل را دربر می‌گیرد. عرصه‌هایی از قبیل اموال خصوصی، ارتباطات خصوصی مانند عضویت در مجامع و گروه‌ها، افکار خصوصی، خاطرات گذشته، تصمیمات خصوصی، یا شاخص‌های ملموسی مثل تلفن همراه، کیف، حساب پس‌انداز، میزان درآمد و مخارج، ارتباطات با اعضای فامیل، انتخاب دوستان و ارتباط با آن‌ها، انتخاب پوشش، رفت و آمدها و مواردی از این نوع می‌توانند مصادیق حریم خصوصی باشند.

در اهمیت حریم خصوصی همین بس که رعایت آن از مهم‌ترین عوامل ثبات رابطه است و رعایت نکردن آن باعث مشکلات و اختلافات زیادی در بین همسران می‌شود. ممکن است در آغاز زندگی مشترک بین حقوق و تکالیف زوجین در مقام عمل و اجرا تزاومی صورت بگیرد. برخورداری از حق حریم خصوصی از یک طرف جزء حقوق اساسی زوج می‌باشد و از طرف دیگر برخورداری از این حق ممکن است با لزوم تمکین و اطاعت‌پذیری نامبرده از زوج (در مفهوم سنتی تمکین) منافات داشته باشد.

این نوشتار، ضمن ارائه تعریف و مصادیق حریم خصوصی در مناسبات و روابط خانوادگی، به بررسی حریم خصوصی در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی و تعالیم اسلامی می‌پردازد. سعی شده است به طور خاص به مسأله‌ی حریم خصوصی در روابط زوجین اشاره شود و در نهایت با استفاده از اصول و قواعد فقهی چون قاعده لاضرر، منع سوء استفاده از حق، اصل حسن معاشرت، اصل استقلال‌داری زوجین، اصل عدم ولایت بردیگری و اصل اباحه و آزادی اراده، مسأله‌ی تزاوم مورد بررسی قرار گرفت.

حریم خصوصی یا حق خلوت ترجمه ای از واژه **privacy** است. حریم خصوصی به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق بشری، پیامدهای متعددی به همراه دارد که از اساسی ترین آن‌ها حفظ کرامت انسانی است، لذا حمایت از شخصیت انسان مستلزم حمایت از حریم خصوصی است (Inness, 1922, p.23). حریم خصوصی محدوده‌ای است که شخص در چهارچوب آن می‌تواند از دیگران دور باشد تا نوعی آرامش داشته باشد و محرمانگی حریم خصوصی‌اش را حفظ کند (جعفری، ۱۳۹۱، ص ۱۰). حریم خصوصی محدوده‌ی مادی و معنوی متعلق به هر شخص، که باید از مداخله غیرمعتاد و بدون اجازه دیگران حفاظت شود (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۸۵).

به نظر می‌رسد همانگونه که حفظ کرامت انسانی یکی از مرزهای سازنده حریم خصوصی خانواده است، اگر حرمت و کرامت جسمانی یا روحی مورد تهاجم و خدشه قرار گیرد، دخالت حکومت و حمایت کیفری از آن ضروری است (عظیم زاده اردبیلی، میرزازاده ۱۳۹۵، ص ۵۲). شکسته شدن حریم خصوصی باعث ناامنی روانی و اجتماعی انسان‌ها، از هر قشر و گروهی می‌شود و می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیری به همراه داشته باشد (مرادی، ۱۳۹۰، ص ۶).

مفهوم حریم خصوصی ارتباط نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد. بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد و حقوق شهروندان، نیازمند حمایت از حریم خصوصی است (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). حقی است که بر اساس آن، افراد می‌توانند تعیین کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی درباره آنان داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

### ۱-۲-۱- مجازات های مالی

تنبیه از طریق مال همواره یکی از انواع مختلف مجازات افراد گوناگون بوده است و دولت‌ها از طریق الزام فرد به پرداخت جزای نقدی و یا فراتر از آن با مصادره کردن اموال فرد مجرم، سعی در دست یابی به اهداف از پیش تعیین شده مجازات‌ها داشته‌اند. نکته ای که باید بیان گردد این است که ما در مجموعه قوانین خود با مجازاتی به نام دیه رو به رو هستیم که می‌توان آن را یک مجازات مالی در نظر داشت اما از آنجا که چنین مقرراتی در نظام حقوقی آمریکا بدین شکل نیست و تنها همان عنوان جبران خسارت را به خود گرفته است و نه چیز دیگر پس از ذکر آن در این مبحث خودداری می‌نمایم.

به هر حال مجازات های مالی از دیرباز در مجموعه قوانین ایران و تقریباً تمام کشورهای دنیا به چشم می‌خورد که البته با چالشهای مختلفی نیز روبه رو بوده است.

### ۱-۲-۱-۱- جزای نقدی در ایران

عموم مردم بیش از اینکه با جایگزینی حبس توسط جزای نقدی آشنا باشند با حبس بدل از جزای نقدی رو به رو شده‌اند و آن را روشی قدیمی و رایج می‌دانند و حتی افراد غیر متخصص به غلط از اصطلاح خرید حبس استفاده می‌کنند. این در حالی است که جزای نقدی همواره در سیستم حقوقی ما بوده است و موارد توسل به آن نیز بسیار

زیاد است اما شاید زیاد به آن با چشم جایگزین حبس نگاه نکرده نشده است. در این مبحث جزای نقدی به عنوان یک یک جایگزین، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

### ۱-۱-۲-۱-۲-۱- تعریف جزای نقدی در حقوق ایران

جزای نقدی به معنی اجبار محکوم به پرداخت مبلغ مقرر در حکم دادگاه، به خزانه دولت است که یا عموماً به شکل جزای نقدی ثابت است یعنی صرف نظر از میزان سود عایدی ناشی از جرم برای مجرم، مبلغ آن در متن قانون مشخص شده است و یا به شکل نسبی که با توجه میزان سود حاصله درصدی از آن به عنوان جزای نقدی تعیین می گردد مثل جرم ارتشا و یا کلاهبرداری که با توجه به میزان مبلغ دریافتی مبلغ جزای نقدی مشخص می گردد.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۲-۱-۳- تاریخچه جزای نقدی

همانگونه که اشاره شد مجازات های مالی و از جمله آن جزای نقدی در کشور ما پیشینه بسی طولانی دارد اگر نخواهیم به تا دوران باستان پیش رویم و آن را در دوران معاصر بررسی کنیم می توانیم به ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ اشاره کرد که امکان تبدیل حبس در موارد جنحه را به جزای نقدی داده بود اما مشکلی که این ماده داشت این بود که مدت حبس قابل تبدیل به جزای نقدی و همچنین میزان جزای نقدی را مشخص نکرده بود. در سال ۱۳۰۷ ماده واحده ای تصویب شد با عنوان «قانون امکان تبدیل حبس در امور جنایی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد» این ماده بیان داشته بود:

«حبس در امور خلافی مطلقاً و همچنین حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد قابل تبدیل به جزای نقدی است. محکمه باید در صورت تقاضای محکوم علیه آن را به اختلاف موارد از قرار روزی پنج قران الی دو تومان تبدیل به جزای نقدی نماید.»

با این ماده مشکل پیشین ما حل شد اما مشکل جدیدی که حادث شد این بود که ظاهر ماده نشان از اجبار قاضی به تبدیل مجازات داشت در حالی که هدف واقعی قانونگذار این چنین نبوده است. این مسئله بود تا اینکه قانون آیین دادرسی سال ۱۳۲۸ آن را به کلی ملغی اعلام کرد.

قسمت اول ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ اعلام کرد: «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد از این پس به جای حبس حکم به جزای نقدی از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال داده خواهد شد». این ماده نیز حاکم بود تا تا اینکه در سال ۶۲ توسط قانون مجازات نسخ شد اما قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب بهمن ماه ۱۳۶۸ که این تاسیس را بار دیگر احیا کرد و بیان داشت:

«در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا میلیون ریال داده خواهد شد و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد. در صورتی که در

<sup>۱</sup> شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲، چاپ اول، ص ۱۰۱

موارد فوق حبس و یا سایر محکومیت‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی یا جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.»

#### ۴-۱-۱-۲-۱- جزای نقدی در قوانین کنونی

تبصره یک ماده سه قانون نحوه وصول برخی درآمد های دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، قاضی را بدون هیچ شرطی ملزم به تبدیل مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی کرده است و هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر به انجام این کار است. از طرف دیگر ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز که جزای نقدی را در زمره جایگزین های حبس بیان داشته است، گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف را شرط تبدیل حبس به یکی از جایگزین ها اعلام کرده است، ماده ۶۵ نیز تبدیل حبس کمتر از ۹۱ روز را به جایگزین ها الزامی می نماید. سؤالی که پیش می آید این است که آیا با وجود ماده جدید قانون مجازات آیا بند یک ماده سه قانون وصول برخی از درآمد های دولت نسخ ضمنی شده است یا خیر؟

در رابطه با این مسئله اختلافات نظر بسیاری حاصل گشت تا اینکه اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه ۷/۱۴۳۵-۱۳۹۲/۷/۲۹ نسخ این بند را رد می کند و اعلام می نماید: «در مورد اینکه آیا قانون وصول برخی از درآمد های دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ با تصویب قانون اخیرالتصویب نسخ شده است یا خیر، باید گفت مطابق بند یک ماده ۳ در هر مورد که در قوانین، حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد، به جای حبس، حکم به جزای نقدی صادر میشود و این امر تکلیف قانونی است. اما طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مجازات جایگزین حبس موقعی قابل اعمال است که محکوم علیه واجد شرایط تخفیف باشد، در غیر اینصورت مجازات جایگزین اعمال نخواهد شد. مثلاً دادگاه مجازات متهم سابقه دار را در صورت ارتکاب جرمی که حداکثر مجازات آن ۳ ماه حبس باشد، باید اجباراً به جزای نقدی تبدیل کند، اما به مجازات جایگزین حبس نمی تواند محکوم نماید. در نتیجه بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمد های دولت از مقررات مجازات های جایگزین حبس، خفیف تر و نسخ نشده است.»

این نظریه مخالفان زیادی دارد که معتقد به منسوخ شدن بند یک ماده سه قانون وصول برخی درآمدهای دولت هستند و به عقیده نگارنده نیز بهتر است تا تنها ماده ۳ را نسخ شده بدانیم زیرا منطقی نیست زمانی مجازاتی را جایگزین بدانیم و زمانی همان را یک جزای نقدی به سود دولت. البته طبق نظریه اداره حقوقی این بند به قوت خود باقی است و گویا جزای نقدی را در این موارد به دو شکل می داند. یکی جزای نقدی مربوط به ماده سه قانون وصول که نیاز به هیچ شرط خاصی نسبت به فرد یا جرم ارتكابی ندارد و صرفاً می تواند به عنوان منبع درآمدی برای دولت باشد و دیگری جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس با هدف اصلاح و باز پروری بهتر مجرم، موضوع ماده ۶۴ قانون مجازات که نیازمند برخورداری از شرایط مقرر در متن ماده است.

ماده ۸۶ قانون مجازات نیز مبالغ جزای نقدی را با توجه مدت زمان حبس پیش بینی شده برای جرم ارتكابی در قانون، مشخص کرده است و از نه میلیون ریال در جرایم مستوجب حداکثر سه ماه حبس شروع می شود و تا سی و شش میلیون ریال در رابطه با جرایمی که مستلزم یک سال حبس هستند ادامه می یابد در مورد جرایم غیر عمدی نیز اگر مجازات بیش از یک سال باشد هم امکان تبدیل مجازات به جزای نقدی تا هفتاد و دو میلیون ریال وجود دارد.

گاهی پیش می‌آید که یک فرد به واسطه ارتکاب یک جرم منافع بسیاری به دست می‌آورد و اموال زیادی را به ناحق مالک می‌شود. در این حالات صرف جزای نقدی نمی‌تواند تأدیب مناسبی برای مجرم باشد و نیاز است تا تمام اموال حاصل از جرم از وی گرفته شود. حالتی را هم می‌توان تصور کرد که قاضی احساس کند که تنها با گرفتن تمام یا قسمتی از مال مجرم که البته از راهی غیر از جرم به دست آمده است می‌تواند، جهت تنبیه و اصلاح وی و همچنین آرام کردن افکار عمومی اقدام کند. این مبحث بر آن است تا مصادره اموال را به عنوان یک مجازات مستقل و جایگزین حبس مورد بررسی قرار دهد.

### ۲-۱- تعریف مصادره در حقوق ایران

مصادره در لغت به معنای « مال کسی را به زور یا به جرمه یا تاوان گرفتن» آمده است. در معنای اصطلاحی نیز می‌توان گفت یعنی « نگهداری دائمی یا موقت آلات و ادوات یا اموال پیرامون جرم». مصادره می‌تواند در دو شکل تحقق یابد که بدان اشاره خواهد شد.

### ۲-۲- تاریخچه مصادره اموال

از سالیان بسیار دور در ایران مجازات مصادره وجود داشته است. چه نجبا و اشراف زادگان و چه افراد عادی و رعیت‌ها زمانی که مرتکب جرایم نا بخشودنی می‌شدند علاوه بر اینکه احتمالاً جانشان گرفته می‌شد تمام اموالشان نیز مصادره می‌شد و چه بسا مجازات آنها دامنگیر تمام بستگانشان نیز می‌شد. به دنبال تلاش‌های آزادی خواهانه مردم اوضاع رو به بهبودی رفت و بعدها هم که قوانین اساسی وضع شدند به مسئله مصادره و ضبط اموال منصفانه نگرسته شد.

اصل شانزدهم قانون اساسی مصوب ۱۲۷۶ بیان کرده بود: « ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون » این اصل در اصلاحات بعدی قانون اساسی بعدی نیز همچنان خودنمایی می‌کرد.<sup>۳</sup>

### ۲-۳- مصادره در قوانین کنونی

حقوقیون معمولاً مصادره را به دو شکل مصادره عام یا عمومی و مصادره خاص یا اختصاصی تقسیم می‌کنند.

۱) مصادره عام: مصادره عام به معنای ضبط و مصادره کلیه دارایی‌های فرد البته به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده است. این نوع از مصادره در طول تاریخ بسیار وجود داشته است که البته در گذشته‌های دور همان حداقل هزینه لازم برای معاش افراد را نیز مصادره می‌کردند اما هم‌اکنون با عنایت به اصول انسان دوستانه و

<sup>۱</sup> عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶، جلد ۲، صفحه ۱۸۱۳

<sup>۲</sup> جعفریان، سید حسن، جایگاه ضبط و مصادره اموال در حقوق ایران، مجله دادرسی، شماره ۸۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، صفحه ۴۰

<sup>۳</sup> فرسیو، ضیاء، ضبط اموال اشخاص و مجوز قانونی آن، مهنامه قضایی، مرداد ۱۳۴۸، شماره ۴۱، ص ۵

<sup>۴</sup> صلاحی، جاوید؛ کیفر شناسی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، صص ۱۶۲ و ۱۶۳

عدالت خواهانه ای که در دنیا در زمینه تدوین قوانین و مقابله با مجرمین شکل گرفته است دیگر مانند گذشته شاهد نابودی کامل زندگی یک خانواده با گرفتن تمام اموال و دارایی هایشان نیستیم. در قوانین ایران نیز در مواردیکه حکم به مصادره عام داده می شود باید جنبه انصاف رعایت شود. در این راستا تبصره پنج ماده نوزده قانون مجازات اسلامی به جدا کردن هزینه های متعارف زندگی محکوم از اموال قابل مصادره اشاره کرده است و بیان می دارد: «... در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می شود باید هزینه های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.»

در رابطه با مصادره عام در ایران به عنوان نمونه می توان به ماده ۴ «قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» اشاره نمود. این ماده بیان داشته است: «هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته یا تفاله تریاک را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر و از سال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۴۰۰۰۰-بیش از پنج کیلو گرم، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم...»

۲) مصادره خاص: این شکل از مصادره به معنای ضبط آن بخشی از دارایی ها است که مؤثر در وقوع جرم بوده اند و در واقع فرد آن ها را از طریق ارتکاب جرم بدست آورده است. امثال های بسیاری از این نوع مصادره در قوانین ما به چشم می خورد. برای نمونه حکم ماده ۵۲۲ تعزیرات که جرایم مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ که مربوط به تهیه و ترویج سگه قلب هستند را مشمول مصادره خاص قرار داده است و اعلام می کند: «علاوه بر مجازات های مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می شود.» و یا ماده یک مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۱۳۱۲: «هر کس در امور مالی که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن مرتکب قاچاق شود، اعم از اینکه عایدات مزبوره بر طبق قانون مخصوص تصویب و یا در ضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور و تصویب شده باشد، علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال، رد قیمت آن، به تأدیبه دو برابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده و به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» یا ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی که درباره مجازات این جرم، مقرر داشته است: «مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز شود. و یا ماده ۷۱۲ تعزیرات قانون مجازات اسلامی که اشعار می دارد: «هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار دهد... کلیه اموالی که از طریق کلاشی و تکدی بدست آورده است مصادره خواهد شد»

همچنین است مواد ۵۹۲ تعزیرات در رابطه با جرم ارتشاء، ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ قانون امور گمرکی، ماده ۱۷ قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ماده ۱۷ قانون شکار مصوب ۱۳۴۶ و بسیاری موارد دیگر.



آنچنان که که پیشتر بیان شد مسئول شناختن شخص حقوقی می‌تواند به ما در کاهش موارد توسل به حبس کمک کند و ما را به عدالت نیز نزدیک تر کند. از دیگر مجازات‌هایی که ماده ۲۰ قانون مجازات در بند ب برای شرکت‌ها اعلام کرده است «مصادره کل اموال» می‌باشد. همانگونه که پیدا است قانونگذار در این مورد تنها از مصادر عام سخن گفته است و امکان مصادره خاص یا بخشی از دارایی‌های شرکت وجود ندارد در ادامه در ماده ۲۲ انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال را زمانی قابل اعمال می‌داند که شخصیت حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد. قانونگذار با قرار دادن مجازات انحلال و مصادره در کنار هم بیان می‌کند که در واقع مصادره زمانی امکان پذیر است که شخص حقوقی مرتکب جرم بزرگی شده باشد و مستحق شدیدترین مجازات باشد و همچنین چون جرم یک شرکت که ترکیبی از چندین شخص حقیقی است بیشتر از جرم یک شخص حقیقی تنها، در جامعه پخش می‌شود و اذهان عمومی مردم را به خود مشغول می‌کند و آثار منفی بیشتری نیز بر جامعه و اقتصاد مملکت می‌گذارد پس باید شدیدتر مجازات شود از این رو دستور به مصادره کل اموال داده شده است.

### ۳- خدمات عام المنفعه

یکی از ابتدایی‌ترین اشکال تنبیه کردن اشخاص گوناگون، مجبور کردن فرد به انجام کاری است که در حالت عادی تمایلی به آن ندارد و تا حدی مشقتی برای او حاصل می‌کند که همین رنجش و مشقت، عامل تنبیهی و اصلاحگر برای فرد به حساب می‌آید. زمانی که فردی مجبور است تا کاری که برایش ناخوشایند است، انجام دهد نوعی احساس تحقیر شدن نیز به وی دست می‌دهد و از آنجایی هم که پاداش، تقدیر و تشکر متعاقب انجام کارهایی که به آن مجبور شده است، وجود ندارد پس این حالت تشدید می‌شود. این مجازات در صورتی که به درستی و در جای خود مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند تنبیه بسیار اثربخش و مناسبی برای مجرمین کم‌خطری باشد که به راحتی اصلاح پذیر هستند و توان بازگشت فوری به آغوش جامعه را دارند پس بهتر است به جای آنکه توان و انرژی آنها را در زندانها به هدر دهیم از آن به نفع جامعه سود بریم و فرد رانیز اصلاح نماییم و او را از خطرات زندان به دور نگاه داریم.

### ۳-۱- خدمات عام المنفعه در ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل چهل و سوم خود بیان می‌دارد: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار است: ... ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از دیگران...» از عبارت «عدم اجبار افراد به کاری معین» چنین بر می‌آید که نمی‌توان فردی را برای انجام خدماتی عام المنفعه، آن هم به صورت رایگان اجبار کرد و این عمل به نوعی بهره‌کشی محسوب خواهد شد. اما همین قوانین خود، زمانی که از حقوق افراد سخن می‌گوید هر کجا که پای ارتکاب جرم و نادیده‌انگاشتن حقوق سایرین توسط مجرم وجود دارد و نص قانون نیز در آن مورد شکل گرفته است تا حدی عقب نشینی می‌کند و به جهت تنبیه فرد، او را از داشتن آن حق منع و یا محدود می‌نماید. بنابراین زمانی که فردی

به امنیت جامعه لطمه ای وارد کرده است و حقوق ملت را نادیده انگاشته می توان او را به عنوان مجازات مجبور به انجام کاری نماییم که به آن علاقه ای نداشته و دخالتی در انتخابش نوع ندارد.

### ۳-۱-۱- تعریف خدمات عام المنفعه در حقوق ایران

نام این مجازات به خوبی گویای مفهوم واقعی ما از آن است. در واقع خدمات عمومی رایگان به معنای « خدمت در مؤسسات عام المنفعه مانند خدمت در بنیادهای خیریه» دانسته می شود. فرد موظف است تا به ارائه خدماتی بپردازد که نفع اجتماعی داشته و به سود سایرین باشد تا اینگونه بتواند دین خود را به جامعه ادا نماید. ماده یک آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ نیز در تعریف این شکل از مجازات بیان داشته است: « خدمت عام المنفعه ای که با رضایت محکوم برای مدت معین و به طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در این آیین نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می گیرد.»

### ۳-۱-۲- تاریخچه مجازات خدمات عام المنفعه

استفاده از خدمات عام المنفعه که به آن خدمات عمومی رایگان نیز می گویند سابقه قانونی خاصی در کشور ما ندارد و کمتر مورد عنایت قانونگذاران پیشین قرار گرفته بود. در عمل نیز معمولاً این نوع مجازات بسیار نادر بوده است و در موارد محدودی به چشم می خورد مثل یکی از آراء دادگاه اطفال، نوجوانی که مرتکب رابطه نامشروع شده بود، به ارائه شش ماه خدمات رایگان به مکانی مانند کانون اصلاح و تربیت، خانه سالمندان کهریزک یا اداره بهزیستی تحت نظارت کانون، محکوم شده بود.<sup>۳</sup>

در مجموعه قوانین کشورمان نیز تنها در لایحه مربوط به مجازات های جایگزین حبس که هرگز هم به تصویب نرسید در ماده یک از این مجازات به عنوان یک تدبیر جایگزین یاد شده است و مواد ۱۹ الی ۲۳ نیز به تعریف و توصیف آن پرداخته اند. ماده ۱۹ اعلام میدارد: « خدمات عمومی خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور دادگاه به نفع جامعه انجام می دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص حکم به انجام خدمات عمومی صادر می کند.»

<sup>۱</sup> جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع پیشین، صفحه ۳۳۳

<sup>۲</sup> پرونده کلاسه ۱۳۷۹/۲۱۰۲/۷۹-۲۸۳/۲۱-۱۳۷۹/۸/۱

<sup>۳</sup> خواجه نوری، یاسمن، نقش کیفر های جامعه مدار در پیشگیری از تکرار جرم در کودکان، مجموعه مقاله های کارگروه پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۸، صفحه ۱۵۱

حق حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر است و در مبانی فقهی و دینی و اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی اغلب کشورهای جهان مطرح و به رسمیت شناخته شده است. بررسی قوانین موضوعه ایران نشانگر عدم کفایت سطح حمایت آن‌ها نسبت به حق حریم خصوصی شهروندان است و تقریباً هیچ قانونی به صورت مستقل به بحث حریم خصوصی پرداخته است.

با این حال حقوق و آزادی‌ها به منزله حریم خصوصی به طور ضمنی و در میان سایر قواعد حقوقی به طور ناقص مورد حمایت قرار گرفته‌اند. قانون اساسی (اصول ۲۳، ۲۴، ۴۶، ۴۷، قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۷۰ تا ۵۹۳ و ...))، قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰ و ...)، قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی و اینترنتی در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریح از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. به نظر می‌رسد نظام تقنینی ایران باید نسبت به تدوین یک قانون جامع برای حمایت از این حق اقدام نماید.

علاوه بر قوانین داخلی در اسناد بین‌المللی نیز به مسأله حریم خصوصی اشاره شده است و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که امروزه این حق، یک حق اساسی برای ابناء بشر تلقی می‌شود. اعلامیه اسلامی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، عهدنامه شورای اروپا برای حمایت از زندگی خصوصی، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی از جمله اسناد بین‌المللی هستند که در آن‌ها به مسأله حریم خصوصی اشاره شده است. مصادیقی برای حریم خصوصی مطرح شده است که از این میان می‌توان به حریم اطلاعاتی، حریم جسمانی، حریم مکانی، حریم پوشش، حریم اقتصادی و حریم جنسی و حریم روانی اشاره کرد.

با وقوع عقد ازواج، رابطه زوجیت و حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر مستقر می‌شود، که ممکن است در آغاز و یا در ادامه زندگی مشترک بین این حقوق و تکالیف در مقام عمل و اجرا تراجمی صورت گیرد. با توجه به اینکه ریاست خانواده مقامی است که به منظور قوام و مصلحت خانواده به مرد داده شده است نه آنکه یک امتیاز و حق فردی برای شوهر باشد، به طوری که او هر نوع اعمال قدرتی که خواست می‌تواند انجام دهد. امروزه مفهوم سنتی تمکین (در مفهوم تمام و مصادیف آن) تغییر یافته و اطاعت مطلق زن از شوهر مقید به رعایت حقوق اساسی وی توسط مرد و نیز منع سوء استفاده از حق توسط زوج گردیده است. اکثر فقها معتقدند مفهوم تمکین تبعیت محض است، اما نظر نویسندگان مقاله بر این است که بهتر است مفهوم جدیدی از تمکین ارایه شود. با وقوع عقد ازدواج هر کدام از زن و شوهر حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر دارد اما استفاده از حقوق خود را نباید وسیله ای برای تضرر به دیگری قرار دهند و طبق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زوجین مکلف به حسن معاشرت نسبت به یکدیگر گردیده‌اند و رعایت حقوق اساسی هر کدام توسط دیگری چیزی جز اجرای تکلیف حسن معاشرت نمی‌باشد. اگر ازدواج یک قرارداد باشد، این قرارداد نباید به نحوی باشد که ناقض حق تمتع و یا اجرا تمام یا قسمتی از حقوق مدنی و یا سلب‌کننده آن حقوق باشد.

با توجه به قاعده فقهی لاضرر و نیز اصل عدم ولایت بردیگری، اصل منع سوء استفاده از حق، اصل اباحه و آزادی اراده، اختیار ریاست مرد که آمیزه‌ای از حق و تکلیف است، تا جایی قابلیت اعمال دارد که شوهر از حدود

م صالح خانوادگی تجاوز نکند، زیرا ریاست مرد در وهله اول یک مسئولیت و وظیفه تلقی می شود و در وهله بعد به صورت یک موقعیت برتر و بالطبع با توجه به همین مبانی و اصول حقوقی لازم است مفهوم جدیدی از تمکین ارائه گردد. لذا شوهر نمی تواند تحت هر شرایطی با ورود به حریم خصوصی همسرش مبادرت به بررسی تلفن همراه و یا حساب های شخصی وی نماید و به حریم خصوصی زن تجاوز نماید و امتناع زن نیز از موارد نشوز تلقی نمی گردد. با توجه به مواد مذکور در قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری عدم رعایت حریم خصوصی زوجه باعث ایجاد مسئولیت برای زوج شده و وی مکلف به جبران ضرر وارد شده به زوجه می باشد. از آنجاکه همه انسان ها به صورت برابر از حیثیت ذاتی و انسانی برخوردارند، پس به صورت برابر و فقط به دلیل انسان بودنشان از حق هایی که لازمه محترم شمردن آنها به عنوان غایت ذاتی است بهره مند هستند. بنابراین در حوزه حقوق بشر افراد حق خواهند داشت تا از عملی که غایت بودن آنها را نادیده گرفته و آنها را در حد ابزار تنزل می دهد مصون باشند.

- ۱- احمدلو، مونا، (۱۳۹۲)، **حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران**، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۲- اسکندری، مصطفی، (۱۳۸۹)، **ماهیت و اهمیت حریم خصوصی**، مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره چهارم، صفحات ۱۷۶-۱۴۷.
- ۳- اصغرزاده گنجی، عباس؛ رفیع زاده، محمد؛ رشیدی، پدرام، (۱۳۹۵)، **حریم خصوصی زوجین نسبت به یکدیگر در راستای تحکیم مبانی خانواده**، سومین کنفرانس جهانی حقوق و علوم اجتماعی.
- ۴- انصاری، باقر، (۱۳۸۳)، **حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۶، صفحات ۱-۵۳.
- ۵- انصاری، باقر، (۱۳۸۶)، **حقوق حریم خصوصی**، تهران، نشر سمت.
- ۶- اوحدی، بهنام، (۱۳۹۰)، **حریم خصوصی همسر و فرزندان**، روزنامه شرق، شماره ۱۳۵۷.
- ۷- باغبانی، احمد، (۱۳۹۵)، **حریم خصوصی افراد به مثابه حقوق بشری در نظام حقوقی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد صفادشت.
- ۸- بنی نجاتی، محمدتقی، (۱۳۹۵)، **جایگاه اراده زوجین در نظام حقوقی خانواده**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- ۹- بهزاد پور، بینا، (۱۳۸۸)، **ابعاد فرهنگی حریم خصوصی**، مجله تعالی حقوق.
- ۱۰- بهرامی، بی تا، (۱۳۹۴)، **حریم خصوصی و رابطه آن با خدمات ارزش افزوده تلفن همراه**، فصلنامه علوم خبری، شماره ۱۵، صفحات ۱۷۷-۱۹۳.
- ۱۱- پورعبدالله، کبری؛ جلیل زاده، سمانه، (۱۳۹۳)، **حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده**، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال هفدهم، شماره ۶۶، صفحات ۷-۴۵.
- ۱۲- تبار، محسن، (۱۳۹۱)، **بررسی تطبیقی حق حریم خصوصی در ایران و آمریکا**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر.
- ۱۳- جعفری، علی، (۱۳۹۱)، **ماهیت و مبانی حریم خصوصی اطلاعات و مسئولیت مدنی ناشی از نقض آن**، رساله دوره دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه قم.
- ۱۴- جوان، صدیقه، (۱۳۹۰)، **مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- ۱۵- حیدر قلی زاده، جعفر؛ عابدینی، غلامرضا؛ ریثی، لیلا، (۱۳۹۴)، **حریم خصوصی و الزام به رعایت آن در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر**، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم، صفحات ۲۳-۴۱.
- ۱۶- خرم دل، حسین، (۱۳۹۵)، **مصادیق حریم خصوصی در فقه و نظام حقوقی ایران**، مجله مطالعات علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۲، صفحات ۸۷-۶۹.
- ۱۷- رضازادفر، بهناز، (۱۳۹۲)، **حریم خصوصی و نظریه پدر سالاری حقوقی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- ۱۸- راسخ، محمد، (۱۳۸۱)، **حق و مصلحت**، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران، نشر طرح نو.
- ۱۹- رحمدل، منصور، (۱۳۸۴)، **حق انسان بر حریم خصوصی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، صفحات ۱۱۹-۱۴۵.
- ۲۰- زرکلام، ستار، (۱۳۸۶)، **حریم خصوصی ارتباطات اینترنتی (مطالعه در حقوق ایران و اتحادیه اروپا)**، مجله معارف اسلامی و حقوق، سال هشتم، شماره اول، صفحات ۱۷۳-۱۹۶.
- ۲۱- سلیمانی، مرتضی؛ سلیمانی، یاسر، (۱۳۹۳)، **بررسی ورود به حریم خصوصی در فعالیتهای اطلاعاتی-امنیتی در چارچوب اصول و قواعد فقهی**، فصلنامه علمی- پژوهشی کاوشی نو در فقه، سال بیست و یکم، شماره چهارم، صفحات ۳۳-۵۶.
- ۲۲- سلیمی، صادق، (۱۳۸۲)، **جنایات سازمان یافته فراملی**، انتشارات صدرا، قم.
- ۲۳- شهباز قهفرخی، سجاد، (۱۳۹۱)، **حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات**، دو فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، سال سوم، شماره دوم، صفحات ۸۷-۱۰۰.
- ۲۴- شهباز قهفرخی، سجاد، (۱۳۹۲)، **حریم خصوصی فیزیکی در آیینی فقه و امامیه و حقوق ایران**، مجله علمی- پژوهشی پژوهش های فقهی دوره ۹، شماره ۱، صفحات ۵۵-۷۰.
- ۲۵- شهریاری، حمید، (۱۳۸۶)، **حریم خصوصی و جامعه اطلاعات**، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم، سال هشتم، شماره سوم و چهارم، صفحات ۱۰۱-۱۲۵.
- ۲۶- صفایی، سید حسین؛ جعفری، علی، (۱۳۹۱)، **رابطه ای آزادی اطلاعات با حریم خصوصی**، مجله حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، صفحات ۱۵۹-۱۳۵.
- ۲۷- صادقی، حسین، (۱۳۸۸)، **مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیکی**، نشر میزان.
- ۲۸- عامری، معصومه؛ عامری، زهرا، (۱۳۹۰)، **حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی (ع)**، مجله علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صفحات ۳۸-۱.

- ۲۹- عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ میرزازاده، زهرا، (۱۳۹۵)، بررسی دلایل لزوم حمایت کیفری از حریم خصوصی خانواده، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۱، شماره ۶۴، صفحات ۵۷-۳۱.
- ۳۰- غلامی، بهرام، (۱۳۹۶)، حریم خصوصی در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ۳۱- غلامی، علی، (۱۳۹۲)، اطلاق یا تعیید حریم خصوصی و الزامات تحدید یا نقض آن، فصلنامه دانش انتظامی، سال شانزدهم، شماره اول، صفحات ۱۰۴-۸۳.
- ۳۲- فروغی، فضل‌اله؛ برجی، محمد ناصر؛ مصلحی، جواد، (۱۳۹۳)، مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در ایران و آمریکا، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره سوم، صفحات ۱۳۷-۱۷۲.
- ۳۳- فرهادی، فرزانه، (۱۳۹۲)، مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- ۳۴- قنواتی، جلیل؛ جاور، حسین؛ صالحی کرهودی، شاهرخ، (۱۳۹۳)، میان کنش قاعده لا ضرر و حریم خصوصی خانواده، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم، صفحات ۱۲۵-۱۵۳.
- ۳۵- قنواتی، جلیل؛ جاور، حسین، (۱۳۹۰)، حریم خصوصی حق یا حکم، مجله حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، صفحات ۳۲-۷.
- ۳۶- قاری سیدفاطمی، محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر دفتر یکم (درآمدی بر مباحث نظری)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ویرایش دوم.
- ۳۷- قنواتی، جلیل؛ جاور، حسین، (۱۳۹۰)، مبنای احترام در شناسایی و حمایت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات، مجله حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، صفحات ۳۳-۵۸.
- ۳۸- کو شکی، غلامحسین، (۱۳۸۶)، حمایت از حریم خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، صفحات ۱۳۵-۱۵۰.
- ۳۹- گروه حقوق خصوصی اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی زیر نظر دکتر باقر انصاری، (۱۳۸۶)، گزارش تحلیلی درباره طرح حمایت از حریم خصوصی، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۲، صفحات ۲۲۷-۲۰۷.
- ۴۰- منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۶)، نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، مجله حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲، صفحات ۱۴۰-۱۶۴.
- ۴۱- مسجدی، محمدحسن؛ مهدیان صدر، مطهره سادات، (۱۳۹۳)، دیوان اروپایی حقوق بشر و حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، تهران، نشر تیسرا، چاپ اول.
- ۴۲- میرخشتی، فرشته، (۱۳۹۲)، حریم خصوصی بین هم‌سران، عرصه تعاملات و تعارضات، جامعه پژوهش‌های فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی، سال چهارم، شماره چهارم، صفحات ۱۶۵-۱۸۴.

- ۴۳- موالی‌زاده، سید باسم، (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی حق حریم خصوصی در اسناد و رویه‌های بین‌المللی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۴۴- محقق‌داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۵)، قواعد فقه، بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، چاپ چهاردهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی .
- ۴۵- مرادی، فاطمه، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی جایگاه حریم خصوصی و حمایت از آن در فقه (امامیه و شافعیه) و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.
- ۴۶- مهرپور، حسین، (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات .
- ۴۷- موسی‌زاده، ابراهیم؛ مصطفی‌زاده، فهیم، (۱۳۹۱)، نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره ۲، صفحات ۴۵-۶۷.
- ۴۸- مستفیضی، سروناز؛ بالوی، مهدی، (۱۳۹۶)، حق مرگ در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره یک.
- ۴۹- نقیبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده، مجله فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۵، شماره ۵۲، صفحات ۵-۲۹.
- ۵۰- واعظی، سید مجتبی؛ علی‌پور، سید علی، (۱۳۸۹)، بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران، مجله حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۱۷، صفحات ۱۶۳-۱۳۳.
- 51-Inness. j1922 privacy.Intimacy and Isolation.oxford university press.oxford.